

فصلنامه علمی- پژوهشی رهیافت

سال دوازدهم، شماره ۴۲، بهار ۱۳۹۷
صفحه ۸۹ تا ۱۰۶

تبیین کارایی تحریم‌های اقتصادی وضع شده علیه جمهوری اسلامی ایران از منظر اقتصاد سیاسی

سمیرا متقی / استادیار گروه اقتصاد دانشگاه پیام نور samira.motaghi@gmail.com

چکیده

مقاله حاضر به بررسی، تحلیل، وضعیت کارایی، تحریم‌های اقتصادی وضع شده علیه جمهوری اسلامی ایران از منظر اقتصاد سیاسی، با استفاده از روش تحلیل یوششم، داده‌ها طی دوره زمانی ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۴ (۱۳۶۴ تا ۱۳۹۳) می‌پردازد. به این منظور، متغیرهای صادرات نفت خام و نرخ ارز حقیقی، (شاخص‌های تحریم مالی) و واردات (شاخص تحریم تجاری) را به عنوان شاخص نهاده‌ای و متغیر رشد اقتصادی را به عنوان شاخص ستاده‌ای، به کار گرفته است. نتایج حاصل از تحقیق نشان می‌دهد: الف) کمترین تأثیر تحریم‌های اقتصادی علیه ایران در سال‌های ۱۳۶۹ و ۱۳۸۱ و بیشترین تأثیر تحریم‌ها در سال‌های ۱۳۹۱، ۹۲ و ۹۳ علیه اقتصاد ایران صورت گرفته است. ب) تنها شاخص حساسیت‌زا در تحریم‌های اقتصادی وضع شده علیه ایران، رشد اقتصادی می‌باشد. ج) در فاصله سال‌های ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۴، ۸۲، ۸۳، ۹۱، ۹۲ و ۹۳، وضع تحریم‌های اقتصادی علیه کشور ایران با کارایی بالاتر و از سال‌های ۱۳۷۴ تا ۱۳۸۱ و بعد از آن بالاخص ۱۳۸۵ و ۱۳۸۹، کارایی تحریم‌ها با روند کاهنده مواجه شد.

کلیدواژه: اقتصاد سیاسی، تحریم، اقتصاد، کارایی، ایران.

تاریخ تأیید ۱۳۹۷/۰۲/۲۳

تاریخ دریافت ۱۳۹۷/۰۱/۲۶

مقدمه

اقتصاد سیاسی بین‌الملل (IPE)^۱، ترکیبی از مواضع مربوط به اقتصاد بین‌الملل (بحث مورد توجه اقتصاددانان)، و سیاست بین‌الملل (مباحث مورد توجه سیاست‌مداران) است که در دهه‌های اخیر، مورد توجه قرار گرفته است. یکی از رویکردهای اقتصاد سیاسی پرداختن به این اصل است که برای بهبود روابط اقتصادی در سطح کشورها، تغییر در الگوهای تعاملی سیاسی ضروری می‌نماید (Rausser, et al, 2011: 76). تأثیر چشم‌گیر اقتصاد بر سیاست در سطح بین‌الملل، پس از پایان جنگ سرد و سقوط اتحاد جماهیر شوروی و اروپای شرقی به دلیل شکست سیستم اقتصادی کمونیستی به شدت نمایان شد و همین امر، کشورهای شرق اروپا را بر آن داشت تا با کاهش تسلط شوروی بر این کشورها، به سرعت به دنبال اصلاح اقتصادهای خود و ادغام با اتحادیه اروپا و اقتصاد جهانی بپردازند. این فرایند تجربه‌ای برای سایر کشورهای در حال توسعه شد تا با ادغام‌های اقتصادی، شاخص‌های رشد اقتصادی داخلی خود را تقویت کنند (David, 2017: 16).

تأثیر سیاست بین‌الملل بر اقتصاد و امنیت جهانی و نیز بر اقتصاد و امنیت ملی کشورها، پس از جنگ سرد روندی چندوجهی به خود گرفته است؛ چرا که امنیت بین‌المللی از موضوعاتی است که به صورت مشخص بر توسعه کشورها، تأمین منابع طبیعی، امنیت غذایی، امنیت اقتصادی و حتی امنیت انسانی تأثیرگذار است. برای نمونه، ایجاد توسعه در فقیرترین کشورهای آفریقایی و آسیایی وابستگی مستقیم به اصلاحات سیاسی داخلی و خارجی این کشورها در ایجاد تجارت‌های مناسب بین‌المللی، استفاده از سرمایه‌گذاری حمایتی خارجی، استفاده از فناوری‌های برتر وارداتی، همکاری مناسب با شرکت‌های چند ملیتی به منظور ارائه محصولات در بازارهای جهانی، همکاری با بازارهای سرمایه‌ای بین‌المللی به منظور حفظ ارزش پول داخلی و ... دارد (Falkner, 2011: 6). بر همین اساس، اقتصاد سیاسی بین‌الملل از موضوعات مورد توجه سیاست‌مداران و اقتصاددانان شده و همین امر نیز، دولتمردان را وادار کرده تا در مطالعه و اجرای سیاست‌های اقتصادی (بالاخص بین‌المللی) عوامل سیاسی را هم در نظر بگیرند.

این موضوع در اقتصاد کشور ایران نیز به خوبی خود را نشان داده است، بالاخص پس از بررسی مواضع تحریم‌های اقتصادی کنونی که ریشه‌های سیاسی داشته است. تحریم‌های

¹ - International Political Economy (IPE)

وضع شده علیه ایران که بیشترین برجستگی آن در مجازات‌های اقتصادی فروش نفت نمایان شد، با نوسانات قیمت نفت ابعاد سیاسی-اقتصادی پیچیده‌تری به خود گرفت؛ در ایران در سال ۱۳۸۴، درآمد نفتی برابر ۵۳,۸۳ میلیارد دلار بود که تفاوت چندانی با سال ۸۳ نداشت، اما از سال ۱۳۸۵ درآمدهای نفتی از ۶۲,۰۱ میلیارد دلار در سال ۸۵ آغاز شد. در سال ۱۳۸۶ درآمد نفت ایران برابر ۸۱,۶ میلیارد دلار و در سال ۱۳۸۷ این درآمد برابر ۸۱,۹ میلیارد دلار ثبت شد. در سال ۱۳۸۸ کاهش درآمدهای نفتی دیده می‌شود؛ به طوری که طی این سال درآمد ایران برابر ۶۲ میلیارد دلار بود اما در سال ۱۳۸۹ درآمدهای نفتی بار دیگر با رشد ۱۵ درصدی به ۷۴ میلیارد دلار رسید. سال ۹۱ را شاید بتوان سال شکوفایی درآمدهای نفتی کشور نامید. طی سال ۹۰، درآمدهای نفتی دولت به ۱۱۳ میلیارد دلار رسید (یعقوبی، ۱۳۹۴: ۳). در سال ۱۳۹۱ درآمدهای نفتی ایران با بیش از ۵۰ درصد کاهش به ۵۰ میلیارد دلار عقب نشینی کرد. از سال ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۵ قیمت نفت روند نزولی خود را حفظ کرد و در سال ۹۵ به طور متوسط به ۴۵ دلار رسید (Heninrich and Pleines, 2015: 63). در همین راستا، پژوهش حاضر با بررسی وضعیت اقتصاد در کشور ایران، تأثیر تحریم‌های سیاسی-اقتصادی را مورد بحث و بررسی قرار داده و با استفاده از مدل سازی ریاضی، این پدیده را واکاوی کرده است.

۱- چارچوب نظری

۱-۱) اقتصاد سیاسی

اصطلاح اقتصاد سیاسی نخستین بار به وسیله اقتصاددان فرانسوی موسوم به آنتوان دومونشترسی (۱۵۷۵ تا ۱۶۲۱م) در اثری با عنوان «رسال‌های درباره اقتصاد سیاسی» به کار رفت (ابولحسنی، ۱۳۹۵: ۱). در قرن هفدهم به هنگام مبارزه بورژوازی علیه فئودالیسم، اقتصاد سیاسی به صورت یک علم مستقل درآمد. پیشگامان این علم، اقتصادشناسان بورژوا بودند. در آغاز، حوزه اصلی تحقیق اقتصاددانان بورژوا عبارت بود از فرایندهای کالا و گردش پول، و معتقد بودند که دقیقاً از این حوزه زندگی اقتصادی است که ثروت جامعه حاصل می‌شود. اما، به زودی تجربه بورژوازی و مبارزه آنان با زمین‌داران برای دست یافتن به برتری سیاسی به نظریه پردازان آن ثابت کرد که حوزه تعیین کننده اقتصاد، تولید است.

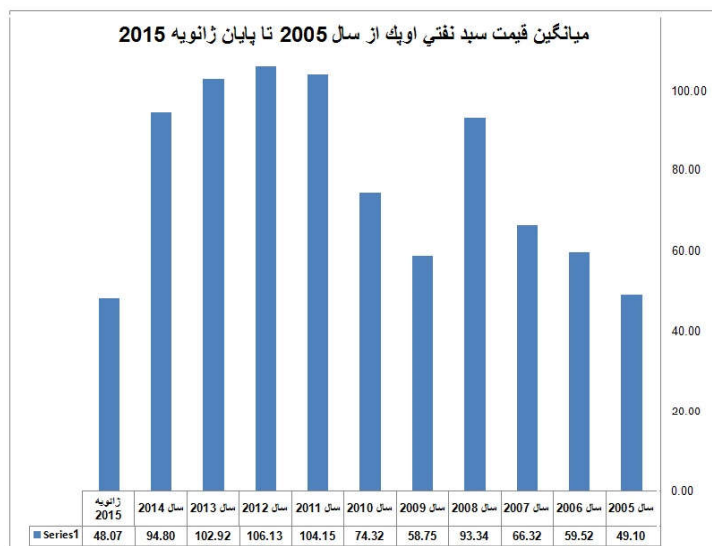
²- Antovan de Mouchterisse

پایه‌گذاران اقتصاد سیاسی بورژوازی، آدام اسمیت و دیوید ریکاردو، بودند (آندره و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۰).

اقتصاد سیاسی دانشی میان‌رشته‌ای است مبتنی بر درک جامع فرآیندهای اجتماعی در قالب کنش‌های متقابل دولت و اقتصاد در ساخت و عملکرد بازار (کاتوزیان، ۱۳۹۲: ۳۶). چنین رویکردی، ارجاع و تعریف اقتصاد سیاسی در چارچوب نظریه اقتصاد نو کلاسیک است. در نظریه اقتصاد مارکسیستی، اقتصاد سیاسی به مطالعه نابرابری‌های به‌وجود آمده در فضا که ناشی از نابرابری در توزیع سرمایه است، می‌پردازد. اقتصاد سیاسی تعمیم نقد مارکس از اقتصاد سیاسی است. به عبارتی مفهوم اقتصاد سیاسی و بن‌مایه آن، منشعب از رویکرد اقتصاد سیاسی است. از این منظر، تحولات اقتصادی در جهان پیش از آنکه امری طبیعی باشد، سیاسی به شمار می‌آید (ایمانی شاملو و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۱۳). تاثیرگذاری شاخص‌ها و عوامل اقتصادی بر کیفیت سطح زندگی اجتماعی تا بدان حد است که در سیاست‌گذاری‌های دولتی باید اثر نهاده‌های اقتصادی بر افزایش و بهبود خدمات‌رسانی در مقیاس کشوری مورد توجه قرار گیرد (متقی، ۱۳۹۳: ۱۸۷).

با این حال، رابطه میان اقتصاد و سیاست و تاثیر آن بر فضا در مقیاس بین‌المللی نیز قابل ردگیری است که از آن با عنوان «اقتصاد سیاسی بین‌الملل» یاد می‌شود. یکی از عرصه‌های مهم اقتصاد سیاسی بین‌الملل، «اقتصاد نفت» است. تغییراتی که از جنگ جهانی دوم و جنگ سرد در قیمت نفت رخ داد، نشانی از دخالت آشکار سیاست در اقتصاد برخی از کشورهایی بود که بر درآمد ناشی از نفت وابسته بودند. تحریم نفتی اعراب طی سال‌های ۱۹۷۳ تا ۱۹۷۴ علیه دولت‌های غربی حامی رژیم صهیونیستی نشان داد که سیاست و اقتصاد در مقیاس جهانی دو ابزار و شیوه قدرت و حاکمیت هستند. استفاده‌ی سیاسی از سلاح نفت توسط دولت‌های عرب، که از چند سال پیش در قالب سازمان اوپک متشکل شده بودند و تبعات سیاسی و اقتصادی مختلف آن، به شکل روشن‌تری پیوند و ارتباط تنگاتنگ اقتصاد و سیاست در عرصه‌ی بین‌الملل را به نمایش گذاشت (قنبرلو، ۱۳۹۳: ۸۹). مشکلات اقتصادی که تضعیف بیش از پیش موقعیت امریکا و قدرت‌یابی کشورهایی نظیر ژاپن و کشورهای اروپایی را به دنبال داشت، در دهه ۹۰ خود را به شکل افزایش قیمت نفت و نوسانات جهانی اقتصاد نشان داد (پوراحمدی و صدوقی، ۱۳۸۹: ۱۵۳). با تغییر نظام سیاسی جنگ سرد، برای چند ماه نوسانات شدید نفتی رخ داد که با رایزنی ایالات متحده آمریکا با اعضای اوپک، ثبات نسبی به بازار جهانی نفت بازگشت. با

این حال، پس از حادثه‌ی ۱۱ سپتامبر در آمریکا و آغاز جنگ‌های برون منطقه‌ای این کشور در افغانستان و عراق، قیمت نفت تا سال ۲۰۰۸ روندی صعودی به خود گرفت و به بالاترین میزان خود در اواخر سال ۲۰۰۸ رسید. پس از آن، روند افول نفت به اندازه‌ای پیش رفت که در سال ۲۰۱۵ به بشکه‌ای ۴۳ دلار رسید (نمودار ۱).



نمودار ۱- نوسانات بهای نفت در شورهای عضو اوپک از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۵ (منبع: یعقوبی، ۱۳۹۴)

۲-۱) تحریم و اقتصاد سیاسی بین الملل

مجازات یا تحریم‌های اقتصادی عمدتاً از دو طریق اعمال می‌شوند؛ تحریم تجاری و تحریم مالی. تحریم تجاری با محدود کردن یا قطع کردن انواع روابط وارداتی و صادراتی همراه است. این تحریم منجر به قطع رابطه تجاری با کشور تحت تحریم و محروم کردن او از بعضی منافع ناشی از تجارت می‌گردد. همچنین، استفاده نکردن از سود تجاری برای کشور تحریم شونده، سیاست‌های تبعیض آمیز تعرفه‌ای، تعلیق و لغو موافقت‌نامه‌های تجاری، پروژه‌های مشترک، کمک‌های فنی و برنامه‌های آموزشی از دیگر نتایج این تحریم است که رفاه کشور هدف را کاهش می‌دهد. درحالی‌که در تحریم مالی، محدودیت و فشارهایی بر روابط مالی کشور هدف اعمال می‌شود؛ بدین معنی که سرمایه‌گذاری، تامین مالی و معاملات مالی کشور تحت فشار قرار می‌گیرد. از جمله ابزارهای تحریم مالی،

محروم نمودن کشور تحریم شده برای تأمین مالی از نهادهای بین‌المللی مانند بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول، ممنوعیت بیمه‌ها و سایر خدمات مالی، مالیات بر صادرات، تحریم نقل و انتقال مالی، مسدود کردن دارایی‌های خارج از کشور، ایجاد ممنوعیت در فروش نفت خام و واردات و فرآورده‌های نفتی، ایجاد اختلال در گشایش اعتبار اسنادی برای تجار کشور و ایجاد موانع در جذب سرمایه‌گذاری خارجی می‌باشد (Howse, et al, 2018: 76-77). از آنجا که بیشترین حجم و تاثیرگذاری تحریم‌های اقتصادی ایران معطوف به فروش نفت است، بررسی نظریه‌های اقتصاد سیاسی تحریم نفت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. نفت به عنوان یکی از مهم‌ترین کالاهای استراتژیک در اقتصاد سیاسی سرمایه‌داری به‌شمار می‌آید. در اقتصاد سیاسی تحریم نفت، مجموعه‌ای از نظریه‌ها، مدل‌ها و رهیافت‌ها ارائه داده است که با توجه به منطقه نفتی جنوب غرب آسیا، دو نظریه از میان مجموعه نظریه‌های اقتصاد سیاسی نفت از اهمیت بیشتری برخوردار است.

الف) نظریه پاچوری

راجندرا کومار پاچوری^۳ اقتصاد نفت را در گروه ساختارهای نیرومند سیاسی می‌داند و بر آن است که وجود سازمان‌های ملی و فراملی که از اراده‌ی سیاسی کشورها پدید می‌آید، عامل مهمی در افزایش بهره‌وری اقتصاد نفت به‌شمار می‌آید. به عقیده‌ی پاچوری، «تولید پایدار نفت»، منجر به «پایدار ماندن سازمان‌های اقتصادی نفت» و «سیاست‌های اقتصادی نفت» می‌شود. نظریه‌ی وی که با عنوان «شاخص پایداری پاچی» یا «شاخص پاچی» نیز شناخته می‌شود، در سال ۱۹۸۵ و در کتابی با عنوان «اقتصاد سیاسی انرژی جهانی» ارائه شد. این شاخص که به صورت موردی به اقتصاد سیاسی نفت در سازمان اوپک می‌پردازد، برطبق نظر پاچوری، هنگامی که شاخص پایداری افزایش می‌یابد، قدرت اوپک در اوج است. در حالی که زمانی که این شاخص در حال کاهش است، قدرت و پایداری اوپک نیز در حال زوال است. به طور مشابه، مقادیر مثبت و کم شاخص پاچی، نشانگر پایداری نسبی و کم و مقادیر منفی، نشانگر ناپایداری نسبی اوپک می‌باشند (معینی و همکاران، ۱۳۹۵: ۷). شاخص پاچوری، زمانی که با مباحث تحریم نفت ایران سنجیده می‌شود، به این معنی است که (معینی و همکاران، ۱۳۹۵: ۸-۷)؛

- اوپک نیمی از نفت کل جهان را تولید می‌کند.

³- Rajendra Kumar Pachauri

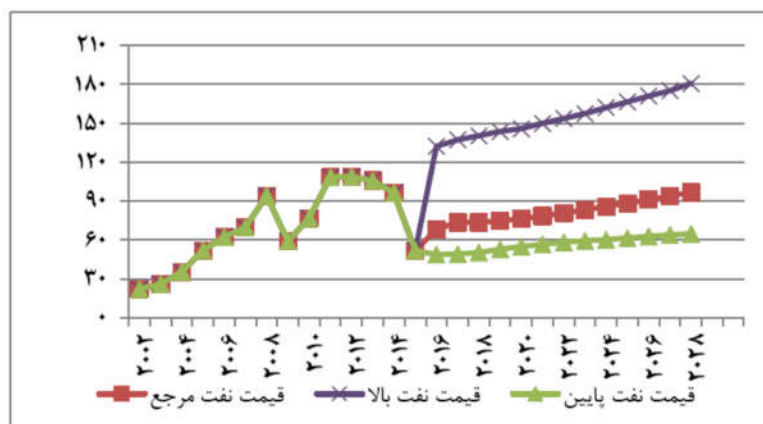
⁴- The Political Economy of Global Energy

-ایران در حال تولید ظرفیت حداقلی خود، یعنی ۲ میلیون بشکه در روز است.
-عربستان سعودی با تولید روزانه ۱۲ میلیون بشکه نفت، ۲۵ درصد تولید کل کشورهای اوپک را به خود اختصاص داده است.

ب) نظریه دانیلسن

دانیلسن (Danielsen)، دو شاخص را برای ارزیابی پایداری اوپک که به ترتیب «نسبت‌های فداکاری ذخایر» و «فداکاری ظرفیت» نام دارند، پیشنهاد می‌کند. نظریه وی در اصل بحث بر سر این موضوع است که کشورهای عضو اوپک بر مبنای ساختار هر کشور به چه دلایلی، تمایل به صرف نظر کردن از تولید بیشتر و عدم گسترش ذخایر نفتی خود دارند و آیا این فداکاری، متضمن پایداری اوپک خواهد بود؟ او مفهوم نسبت صیانت یا فداکاری را مطرح نموده و بر مبنای این مفهوم استنباط می‌نماید که تعدادی از کشورهای عضو اوپک که آنها را کشورهای هسته می‌نامد، دلیل اصلی پایداری اوپک هستند (معینی و همکاران، ۱۳۹۵: ۸). در شرایط تحریم، سیاست‌گذاری‌های اقتصادی از حالت فداکاری خارج می‌شود و نسبتی رقابت‌آمیز میان هسته‌های قدرت سیاسی-اقتصادی (مانند ایران و عربستان) برای بهره‌وری حداکثر به وجود می‌آید.

همچنان که از دو نظریه یاد شده مستفاد می‌شود، اقتصاد سیاسی تحریم نفت به مجموعه‌ای از عوامل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در مقیاس ملی و عوامل ساختاری در مقیاس جهانی بستگی دارد. ایران، به عنوان یکی از کشورهای مهم تولیدکننده نفت به‌ویژه پس از تحریم‌های سازمان‌یافته از سال ۲۰۰۸ بدین سوی، با مجموعه عوامل اقتصاد سیاسی نفت درگیر بوده است. از نظر ارزش اقتصادی، بهای نفت سبک ایران در خلال ۳۰ سال گذشته به طور متوسط، ۲/۸ دلار کمتر از قیمت نفت خام برنت بوده است. با توجه به این امر، می‌توان سناریوهای متفاوتی را برای قیمت نفت ایران تا سال ۲۰۲۸ پیش‌بینی کرد که این سناریوها در سه سطح قیمت نفت مرجع (از ۳۰ تا ۹۰ دلار)، قیمت نفت پائین (از ۳۰ تا ۵۰ دلار) و قیمت نفت بالا (از ۶۰ تا ۱۸۰ دلار) قرار دارند (نمودار ۲).



نمودار ۲) پیش‌بینی قیمت نفت خام سبک ایران در سه سناریو قیمتی از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۲۸ (عسکری و همکاران، ۱۳۹۵).

۳-۱) هزینه‌ها و کارایی تحریم

در پی اعمال بسته تحریم‌های هوشمند شورای امنیت علیه ایران در سال ۲۰۱۱، صادرات نفت ایران در ماه مارس ۲۰۱۲ میلادی به زیر ۲ میلیون بشکه در روز رسید و تا اواخر همان سال، صادرات نفت ایران چهل درصد کاهش یافت. جلوگیری از همکاری شرکت‌های نفتی با ایران و عدم سرمایه‌گذاری آن‌ها در طرح‌های صنعت نفت این کشور در کنار عوامل دیگری چون عمر بالای چاه‌ها و فرسودگی تجهیزات، باعث کاهش تدریجی تولید نفت ایران شده‌اند. تحریم‌های اتحادیه اروپا بر شرکت‌های بیمه طرف قرارداد با ایران و نیز شرکت‌های کشتیرانی که نفت بدین صورت است که با پایان یافتن قراردادهای سالانه شرکت‌های نفتی اروپایی با ایران، اقدام به تمدید این قراردادها نخواهند کرد و تا پایان ژوئن ۲۰۱۲ میلادی حجم واردات نفت خام اروپا از ایران به صفر خواهد رسید. پالایشگاه‌های یونان به دلیل ناتوانی در پرداخت پول، خرید نفت ایران را پیش از به پایان رسیدن مهلت مقرر از سوی اتحادیه اروپا قطع کردند، واردات نفت یونان از ایران نیز در ماه آوریل ۲۰۱۲ میلادی به کلی قطع شد. اسپانیا در خرید نفت خود از ایران در دوره زمانی دسامبر ۲۰۱۱ میلادی تا ژانویه ۲۰۱۲ میلادی، کاهشی سی و یک درصدی اعمال کرد. اندکی پس از انتشار این گزارش، وزارت خارجه این کشور اعلام کرد که خرید نفت ایران را از پایان ماه فوریه به کل قطع کرده است. ترکیه نیز تا پیش از آغاز روند تحریم‌ها نزدیک

به یک سوم نفت مورد نیاز خود را از ایران وارد می‌کرد. این کشور زیر فشارها میزان واردات خود را تا ماه آوریل ۲۰۱۲ میلادی، بیست درصد کاهش داد (علمی، ۱۳۹۲: ۱۰۸-۱۰۷).

تحریم‌های هوشمند صورت گرفته علیه ایران، چند جانبه و از سوی سازمان ملل و تمامی هم پیمانان آن است که به شدت اقتصاد ایران را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در این تحریم، هزینه واردات و صادرات، افزایش می‌یابد و کالاهای صادراتی قدرت رقابت خود را از دست می‌دهند و واردات نیز گران‌تر می‌شود و در نتیجه با مقدار معینی سرمایه، کالای کمتری وارد کشور می‌شود که این عامل، ساختار اقتصاد کشور تحت تحریم را با مشکل روبرو می‌کند. از سوی دیگر، جابجایی شمار زیادی شریک تجاری در کنار وابستگی برخی کالاهای داخلی به کالاهای خارجی تحریم شده، تولید آنها را با مشکل روبرو ساخته و هزینه تولید را افزایش می‌دهد. این تحریم در بخش مالی نیز باعث افزایش نرخ بهره و افزایش هزینه‌های تامین مالی میان مدت و بلند مدت می‌شود و به صورت کلی، ساختار اقتصادی کشور را در بخش مالی و سرمایه‌ای تحت الشعاع خود قرار می‌دهد. «تحریم بانک‌ها و مؤسسات مالی توسط شورای امنیت، اقتصاد کشور هدف را به سبب کاهش ارزش پول داخلی و بالتبع افزایش نرخ تورم، کاهش صادرات و تولید، بی‌اعتمادی نسبت به آینده کشور، بلوکه شدن دارایی‌ها و ... با مشکلات بسیاری مواجه می‌سازد» (Pressman, 2017: 96). همچنین، «این تحریم‌ها به سبب بالابردن ریسک سیاسی و متعاقب آن، افزایش ریسک سیستماتیک بازار سرمایه، بورس کشور تحت تحریم را متأثر می‌سازد» (O'Hara, 217: 128).

با این حال، تحریم‌ها زمانی با کارایی برای کشور تحریم کننده همراه خواهند بود که اولاً، هزینه سنگین بر کشور تحت تحریم تحمیل نماید؛ ثانیاً فشار اقتصادی را به فشار سیاسی مؤثر تبدیل کند و تغییرات مورد نظر را در رفتار و یا ماهیت رژیم تحت تحریم بوجود آورد؛ ثالثاً، هزینه‌ای که بر اقتصاد کشور تحت تحریم تحمیل می‌کند به مراتب بیشتر از هزینه آن برای اقتصاد کشور تحریم کننده باشد؛ و در نهایت، تحریم اقتصادی در مقایسه با سایر ابزارها و سیاست‌های ممکن از مطلوبیت بیشتر برخوردار باشد (Leroux, 2011: 30). از دیدگاه دیگر، همچنانکه که لوپز و همکاران (۲۰۱۴) معتقد هستند، زمانی تحریم‌ها از کارایی لازم برخوردار است که «هزینه‌های تحریم بر اقتصاد کشور هدف، بیش از ۲ درصد تولید ناخالص ملی آنرا کاهش دهد؛ کشور هدف، تمرکز تجاری بالایی